سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲ ■ ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۸۹۹۶

همشهری فرهنگ شهر

بازیگر سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره»

گفت‌وگو با مجید یوسفی

شبیه نیما نباشد کسی خداکند!

گفت‌وگو

پریسا نوری
روزنامه‌نگار

مجید یوسفی، با موهای فرفری و ورزش نسبتا بلندش در مجموعه «مگه تموم عمر چند تا بهاره» به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی (نیما) خوب در خشیده و به یک چهره سینمایی تبدیل شده است. از جمله نقش‌های محوری در سریال، پیشنهادهای متعددی در سینما و تلویزیون داشته و آشنایی‌اش با سروش صحت را فقط عطف کارنامه حرفه‌ای‌اش می‌داند. متولد لنگرود و بزرگ شده تهران است. تقریبا ۶ سال قبل ازدواج کرده است. یک خواهر و ۳ برادر دارد که در عرصه هنر و بازیگری فعالیت ندارند. با او از چندوچون ورودش به دنیای بازیگری تا دغدغه‌های این روزها یش گپ زدیم.

سال‌ها بازیگر تئاتر بودید. کی و چطور وارد سینما و تلویزیون شدید؟

از ۱۴-۱۳ سالگی تئاتر را از کانون «میثم» شروع کردم و تا ۱۸ سالگی در فرهنگسراها، مدارس و خیابان‌ها تئاتر اجرا می‌کردم. سپس در دانشگاه «سوره» رشته تئاتر، گرایش طراحی صحنه خواندم و از آنجا دیگر به‌صورت حرفه‌ای وارد دنیای بازیگری شدم. نخستین کارم تئاتری به نام «جشن بیخودی» بود که سال ۹۳ اجرا شد و از شانس خوب من ۲ کارگردان بازی مرا دیدند و از من دعوت کردند در فیلم‌های‌شان بازی کنم. بازی در فیلم‌های سینمایی «هجوم» به کارگردانی شهرام مکری و «تمارض» به نویسندگی و کارگردانی عبد آبست، شروع بازیگری‌ام در سینما بود.

به جز فیلم‌های سینمایی، در چند فیلم کوتاه تلویزیونی هم ایفای نقش کرده‌اید.

حدودا در ۲۰-۱۵ فیلم کوتاه طراحی صحنه و بازیگری کرده‌ام. همچنین سال ۹۵ در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه «سایه» تندیس بهترین بازیگر را گرفتم، ولی چون موضوع فیلم‌های کوتاه طوری بود که مخاطب عام نداشت، دیده نشدم.

با وجودی که بازیگر گمنامی بودید ولی یکی از نقش‌های محوری در سریال سروش صحت را ایفا کردید. چطور به بازیگران این مجموعه پیوستید؟

سال ۹۸ در نمایشی به نام «لانچر ۵» که بسیار دیده شد، اجرا داشتم. آقای صحت ۶-۵ بار آمد و این نمایش را دید، سپس از من دعوت کرد به دفترشان بروم. اولش نرفتم، چون مادرم تازه فوت شده بود و حالم مساعد نبود، ولی وقتی دوباره از دفترشان پیگیری کردند رفتم و به درخواست‌شان متنی را خواندم که به‌نظرشان خیلی خوب آمد، همچنین یک ویدئوی ۲ دقیقه‌ای از کارهایم را برای‌شان ارسال کردم که خوش‌شان آمد و در نهایت برای نقش نیما قرارداد بستم.

حین اجرای نمایش متوجه حضور سروش صحت در سالن شدید؟

در حین اجرا نه، ولی بعد از اجراها او را در سالن می‌دیدم. نکته جالب اینکه من در تئاتر لانچر ۵ نقش جدی را بازی می‌کردم ولی در تئاترهای قبل اغلب نقش‌هایم کمدی بود و همیشه ته ذهنم دوست داشتم آقای صحت بیاید و نقش‌های کمدی‌ام را ببیند و وقتی در بین تماشاگران لانچر ۵ دیدمش ناراحت شدم و در دلم گفتم «چقدر بدشانسم. این همه نقش کمدی بازی کردم آقای صحت ندیده و حالا که نقش جدی بازی می‌کنم برای دیدن نمایش نه چندان. در اوایل کار خیلی نگران بودم که مردم با کاراکتر نیما ارتباط برقرار نکنند، اما دوست خوبم محمد نادری به‌خاطر تجربه‌ای که از بازی در سریال «شمعدونی» داشت، می‌گفت نگران نباش شاید مردم اول کار با چهره‌های جدید ارتباط نگیرند. کمی که بگذرد اوضاع درست می‌شود و واقعا همینطور هم شد. یعنی از ابتدا بین هزاران پیامی که در صفحه‌ام دریافت می‌کردم چند تایش منفی بود ولی بعد پیام‌های منفی کمتر شد.

از همان قسمت‌های اول هزاران پیام داشتید؛ عجیب نیست؟

بله. برای خودم هم خیلی جالب و عجیب بود که این سریال اینقدر تماشاگر دارد.

در پیام‌های منفی به کلیت سریال انتقاد می‌شد یا نقش نیما؟

به اینکه نقش نیما را یک بازیگر غیرمعروف بازی می‌کند انتقاد می‌شد و مقایسه می‌کردند و می‌گفتند: «بهتر بود این نقش را فلان بازیگر بازی کند و... » اما از قسمت‌های ۶و۷ به بعد دیگر مقایسه نشدم و بسیاری از پیام‌ها مثبت بود و مخاطبان تکیه کلام نیما یعنی «همین یه بار» و «دیگه تمام» را در خیابان و صفحه مجازی تکرار می‌کردند.

به زعم خیلی‌ها این مجموعه را نمی‌توان در هیچ ژانری گنجاند، یک کارانتزاعی با خرده داستان‌هایی که بدون کمترین ارتباط با هم روایت می‌شوند. به‌نظرتان چرا این کار آنقدر دیده شد؟

این کار جدید و ترکیبی از تخیل، رئال، موسیقی و رنگ است و برخلاف تفکری که همیشه دنبال سبک‌های امتحان پس داده شده است، من فکر می‌کنم مردم کارهای جدید را بیشتر می‌پسندند. یک دلیل دیگر هم این است که «مگه تموم عمر چند تا بهاره» خیلی شبیه جهان‌بینی و فلسفه زندگی آقای صحت و یک کار دلی و مصداق این است «سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند».

به‌عنوان نخستین تجربه بازیگری در سریال، همکاری با سروش صحت و بازیگران توانمندی مثل علی مصفا و قدرت‌الله ایزدی برای‌تان چه دستاوردی داشت؟

تجربه شیرینی بود. آقای صحت که کارگردان بسیار کاربلد و بی‌نظیر و بااخلاقی است و من هیچ‌وقت صدای بلندشان را نشنیدم. خیلی خونسرد کار را مدیریت می‌کند. البته قبل از شروع کار از اینکه با آقای ایزدی و مصفا همبازی بشوم کمی استرس داشتم ولی خدا را شکر به قدری صمیمانه و رفاقتی کار را جلو بردند که انگار سال‌هاست همدیگر را می‌شناسیم و همکار هستیم.

چقدر کاراکتر نیما به شخصیت شما نزدیک است؟

(می‌خندد) اگر شخصیت من شبیه نیما باشد که خودم را می‌کشم، یعنی خدا کند کسی شبیه نیما نباشد. یک آدم توخالی و سطحی که فقط حرف اضافی می‌زند و چون ترسو است در لحظه حرف و موضعش را عوض می‌کند. در کل نیما هم دوست‌داشتنی و هم غیرقابل تحمل و ترسناک است. من هم در شروع کار خیلی از نیما دور بودم، ولی وقتی کار به نیمه رسید متوجه شدم ناخودآگاه ویژگی‌های رفتاری نیما را در خانه بروز می‌دهم. مثلا یک دفعه می‌خندم و خانمم می‌گه «الان چرا می‌خندی؟» یا در صحبت با همسرم تکیه کلام «همین یه بار» نیما را خیلی استفاده می‌کنم و...

با وجود دور بودن این نقش از شما برای ایفای آن به چالش برنخوردید؟

صادقانه بگویم روزهای اول که شناخت چندانی از این شخصیت و ویژگی‌هایش نداشتم خودم را به آقای صحت سپردم و خیلی به من کمک کردند و بعدها در روند اجرا به نقش نزدیک شدم.

خاطره‌ای جذاب از پشت صحنه سریال و همکاری با سروش صحت به یاد دارید؟

بازی در کنار آقای ایزدی بسیار سخت است. یادم می‌آید در یکی از سکانس‌هایی که در شمال داشتیم یک جا آقای ایزدی(آقا رشید) می‌خواست ما را نصیحت کند که با هم خوب باشیم و آن مثال معروف شکستن یک چوب و شکسته‌نشدن چند چوب را اجرا کند، این سکانس را به قدری بامزه بازی می‌کرد که من و آقای سیاحی به هیچ‌وجه نمی‌توانستیم جلوی خنده‌مان را بگیریم و به ناچار این سکانس چند بار تکرار شد، در نهایت هم ما مشغول خندیدن هستیم ولی روی‌مان به دوربین نیست و تصویر از نمای دور پخش می‌شود.

احتمالا بعد از بازی در این سریال پیشنهادات خوبی برای بازیگری داشتید؟

بله. ۶-۵ سریال تلویزیونی و چند رئالیتی‌شو پیشنهاد شد که قبول نکردم.

چرا؟

راستش فکر کردم زود است که در رئالیتی‌شوها شرکت کنم باید یک کمی زمان بگذرد و بیشتر برای مردم به‌عنوان بازیگر جا بیفتم.

الان مشغول چه کاری هستید؟

یک تئاتر به نام «محیط زیست» را به کارگردانی رسول کاهانی در تماشاخانه ملک بازی می‌کنم، همزمان سر ضبط یک فیلم سینمایی و یک سریال برای شبکه نمایش خانگی هستم که بهتر است الان توضیح بیشتری درباره آنها ندهم.

دوست دارید نقش جدی بازی کنید یا کمدی؟

هر دو. اصلا دوست ندارم در یک ژانر شناخته شوم. با وجود اینکه عاشق کار کمدی هستم اما بعد از یک بازی کمدی ترجیح می‌دهم یکی دو نقش جدی بازی کنم.

چقدر اهل فضای مجازی هستید؟

خیلی فعالیت ندارم. یک صفحه در اینستاگرام دارم که قبل از این سریال ۶۰۰ دنبال‌کننده داشت و حالا حدود ۱۴ هزار نفر آن را دنبال می‌کنند.

در صفحه شخصی‌تان با مخاطبان ارتباط دارید؟

بله. همه پیام‌هایی را که در شخصی برایم می‌فرستند می‌خوانم و بیشتر از ۹۰ درصد را جواب می‌دهم.

برای‌تان سؤال پیش نیامد که چرا سروش صحت چند بار به تماشای اجرا و نمایش شما نشست؟

نه، چون لانچر ۵ کار کمدی جذاب بود که خیلی‌ها چندین بار برای تماشای آن می‌آمدند و آقای صحت هم به ژانر کمدی علاقه دارند و طبیعی بود که کار را دوست داشته باشد.

از همان اکران قسمت‌های اول سریال مگه تموم عمر چند تا بهاره، مردم شما را به‌عنوان بازیگر سریال کمدی پذیرفتند؟

آمده و...»

مکث

مردم مرا از ریش و مویم می‌شناختند

بی‌تردید تجربه دیده شدن از قاب دوربین کارگردانی نام آشنا در سریالی پرمخاطب برای بازیگر تازه‌کاری چون یوسفی نگران‌کننده است. او از این تجربه برای‌مان می‌گوید: «با گذشت چند هفته از پخش سریال به‌خاطر استرس شدیدی که داشتم از خانه بیرون نرفتم ولی وقتی با محبت مردم مواجه شدم همه نگرانی‌هایم تمام شد. البته مردم مرا از روی مدل مو و ریشم می‌شناختند و وقتی که ضبط تمام شد و ریش و مویم را کوتاه کردم خیلی‌ها در برخورد اول مرا نمی‌شناختند.»

عکس: همشهری/ منا عادل

انتظار داشتند مهندس شوم

مجید یوسفی و ورودش به دنیای تئاتر را مرهون همراهی خانواده‌اش می‌داند. او در این باره می‌گوید: «در دبیرستان نمونه دولتی رشته ریاضی می‌خواندم و جزو شاگردان ممتاز بودم به‌طوری که همه اقوام، دوست و آشنا انتظار داشتند مهندسی دانشگاه شریف یا امیرکبیر قبول شوم، اما در روزهایی که همه همکلاسی‌هایم مشغول درس خواندن برای کنکور ریاضی بودند، به‌خاطر علاقه‌ام به تئاتر با حمایت خانواده‌ام در کنکور هنر شرکت کردم و خوشبختانه قبول شدم.»

روزمان را با شعر شروع می‌کردیم

یوسفی از همکاری با دست‌اندرکاران مجموعه «مگه تموم عمر چند تا بهاره»، خاطره بسیاری دارد و یکی از ماندگارترین آنها را اینطور شرح می‌دهد: «رسم زیبا و نانوشته‌ای در گروه داشتیم که کار را با شعر شروع می‌کردیم و انرژی می‌گرفتیم. یعنی هر روز صبح یک نفر یک بیت شعر می‌خواند و تعیین می‌کرد فردا چه‌کسی شعر بخواند و... این رسم مختص بازیگران یا عوامل پشت دوربین نبود بلکه همه عوامل از کارگردان گرفته تا تدارکات را شامل می‌شد.»

بازی در زیبایی خیره‌کننده و گرمای آزاردهنده

سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره» به جز تهران و اصفهان در چند لوکیشن ازجمله جزیره قشم، هنگام و گرمسار ضبط شده است. یوسفی از کار در قشم و هنگام به‌عنوان سخت‌ترین روزهای فیلمبرداری نام می‌برد و می‌گوید: «برای ضبط تعدادی از سکانس‌ها، چند روز در جزایر قشم و هنگام بودیم. صرف‌نظر از زیبایی خیره‌کننده این جزایر، گرمای آزاردهنده‌ای را تجربه کردیم. در برخی سکانس‌ها در حالی که سرتاپا خیس عرق بودیم باید می‌دویدیم یا کنار ساحل در حالی که ماسه توی دهان و لای موهای‌مان بود ضبط داشتیم و...»

رنگ و لعاب سریال بچه‌ها را جذب کرده است

وقتی از یوسفی درباره بازخورد سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره» می‌پرسیم، لبخندزنان می‌گوید: «شاید باور تان نشود اما بچه‌ها با این کار خیلی ارتباط گرفته‌اند به‌طوری که تقریبا هر هفته پدر و مادرها یک ویدئو برایم می‌فرستند که بچه‌شان تکیه کلام‌های نیما را در خانه تکرار می‌کند یا در حال تماشای سریال است و می‌گویند وقتی تلویزیون را خاموش می‌کنیم بچه‌مان گریه می‌کند و...» او دلیل علاقه بچه‌ها به سریال را اینطور می‌داند: «فکر می‌کنم رنگ و لعاب و موسیقی سریال بچه‌ها را حسابی جذب کرده است.»

گزارش

دبیر چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار:

ماموریت عمار جذب عموم مردم است

چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار از ۲۱ دی آغاز می‌شود. دست‌اندرکاران برگزاری چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار متشکل از سهیل اسعد دبیر جشنواره، محمدصادق شهبازی قائم‌مقام شورای سیاستگذاری و حمید صالحی دبیر اجرایی جشنواره عمار روز دوشنبه، هجدهم دی، در قالب دومین نشست خبری این رویداد رسانه‌ای که در مجموعه «حسینیه هنر» برگزار شد، به تشریح برنامه‌های نهایی در حوزه‌های اجرایی این رویداد پرداختند.

مخاطب عمار صرفا بچه حزب‌اللهی‌ها نیستند

سعیل اسعد، دبیر چهاردهمین جشنواره فیلم عمار در این نشست رسانه‌ای گفت: من در نشست خبری قبلی به نکاتی درباره جشنواره فیلم عمار اشاره کردم. امروز هم تصمیم دارد به نکات دیگری اشاره کنم که می‌تواند در آینده برای ما مفید باشد. ما در حوزه برگزاری جشنواره عمار بحران توزیع داشتیم، درحالی که تولید در شرایط بسیار ممتازی قرار داشت، اما در حوزه «توزیع» با مشکلاتی روبه‌رو بودیم که می‌تواند برای ما قابل توجه باشد. همین بحران توزیع اساسا فلسفه وجودی برگزاری جشنواره مردمی فیلم عمار بود که خوشبختانه تا حد زیادی حل شد. وی افزود: در فرآیند هنری و رسانه‌ای، توزیع در میانه راه قرار دارد. اساسا فلسفه توزیع ارائه به مخاطب است و فکر می‌کنم در این ۱۴ سال ما در حوزه مصرف با وجود همه تلاش‌ها با مشکلی مواجه شدیم که عمده آنها متمرکز بر توزیع درون گفتمانی است. یعنی عمده محصولات ارائه شده در جشنواره متمرکز بر بچه‌های حزب‌اللهی است که فقط آنها بیننده آثار جشنواره هستند. درحالی که ماموریت اصلی ما توزیع در میان همه مخاطبان است که باید در این زمینه برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم. موضوع فهم مخاطب و مصرف‌کننده باید براساس ذوق و سلیقه مخاطبانی باشد که فعالان جشنواره مردمی فیلم عمار به آن توجه کنند تا بتوانیم بحران «مصرف» را برطرف کنیم.

دبیر چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار بیان کرد: یکی از مواردی که می‌توانیم به آن توجه کنیم بحث محتوا و قالب است. اینکه بتوانیم در فاصله زمانی کوتاه حرف‌های عمیق بزنیم. چرا که این موضوع اهمیت خاصی در عصر حاضر دارد که حتما باید روی آن تمرکز ویژه‌ای داشته باشیم. عنصر دوم تأثیرگذاری در مصرف، «جذابیت» است. به‌نظر من به اقتضای امروز باید به جذابیت ظاهری همراه با «تنوع» توجه کنیم. تنوع یک باب اصلی است که احساس می‌کنم امروز در گفتمان انقلاب کمتر دیده شده است. بحث چهارم هم «خلاقیت» است که باید از قالب سنتی به سمت خلاقیت‌هایی برویم که امروزه با وجود امکانات کم هم می‌باید مورد توجه باشد. در این چارچوب موضوع «بازاریابی» از مهم‌ترین اولویت‌های عماریون است که قبل از تولید آثارشان باید با مخاطبان ارتباط برقرار کنند.

ارسال ۱۳۳۰۰ اثر به جشنواره عمار

دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار هم اظهارداشت: در این دوره، تعداد زیادی اثر به جشنواره در بخش‌های مختلف رسیده که بیش از ۱۳۳۰۰ اثر است که شامل مستند، داستانی، پویانمایی، تولیدات فضای مجازی، فیلمنامه و ... است. بیش از ۱۸۰۰ اثر فیلم‌های مردمی در بخش فیلم ما ارسال شده است. حمید صالحی گفت: در بخش مستند بیشترین آثار را داریم و در بخش فیلمنامه بیش از ۴۰۰ اثر به جشنواره رسیده است. وی افزود: جشنواره عمار از ۲۱ تا ۲۹ دی در سینما فلسطین برگزار می‌شود و کارگاه‌ها و نشست‌هایی هم در این راستا برگزار خواهد شد.

مکث

غافلگیری با اهدای جایزه ضد مردمی

حمید صالحی، دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره مردمی فیلم عمار همچنین گفت: اهدای جایزه مردمی و قومیتی از مهم‌ترین بخش‌های جشنواره مردمی فیلم عمار است که در این چند دوره با استقبال بسیار خوبی مواجه شده است. امسال هم از طرف دوستان اهل یمن ساکن تهران خنجری به دبیرخانه ارسال شده که ما در این دوره از جشنواره خنجر نمادین را به فیلمساز برگزیده حوزه مقاومت تقدیم می‌کنیم. در این دوره از جشنواره که به‌نظر ما شگفتانه است، تصمیم داریم تا جایزه‌ای را رونمایی کنیم که مثل جایزه‌های معمول جشنواره‌ها نیست. این جایزه قرار است به کسانی داده شود که ضد مردمی‌ترین افراد هستند و فکر می‌کنم دربرگیرنده ویژگی‌ها و غافلگیری‌هایی است که در روزهای جشنواره اطلاع‌رسانی می‌شود.